

دارد. در نهایت تأکید ایشان در این خصوص بر این مطلب بود که ما نباید زبان را نادیده بینداریم، زبان نه فقط قادر به بازنمایی اندیشه دینی است، بلکه توانایی دارد، مولد اندیشه‌ای نو در زمینه دین باشد. جلال الدین فارسی با نگاه سلبی و نفی‌ای به نواندیشی دینی نگرست و معتقد است که در دین، نواندیشی وجود ندارد؛ زیرا آنچه دین می‌گوید مالم یعلم است و باید از آنچه دین می‌گوید، پیروی کرد. ویژگی حیات انسانی را آزادی خواهی، اندیشیدن و علاقه خود بر خود ذکر کرد و تفاوت اندیشه دینی و دانش را در این مطلب دانست که اندیشه دینی توأم با پژوهش به علم و دانش می‌انجامد و دانش به فناوری. در دانش انسانی که به فناوری می‌انجامد، امکان نواندیشی وجود دارد؛ اما در معرفت دینی که عبارت است از آموزه‌های وحیانی و کتاب درسی قرآن، نوآوری و نواندیشی وجود ندارد. ایشان سه لایه خردورزی در دین را تفکر، تعقل و تفقه خوانده و طبق سنت خداوند بر مظلومه هستی (انسان و زندگی) انسان را به حیات طیبه می‌برد، به شرطی که انسان سلطه ناپذیر، اندیشمند و آزادی‌خواه و دارای حیات انسانی باشد، همان طور که فلاسفه از سقراط تا کنون بر موضوع تفکر و اندیشه آدمی تأکید بسیار ورزیدند. اندیشه مهم، تعالی آدمی است.

گزارش‌کن: محمدباقر محمدی‌منور

بنیادگرایی افراطی، حرکتی فرسوده

فرید العطاس /

اعتیاد ملی، ش ۸۲۹، ۱۵/۱۰/۱۳۸۷

آقای العطاس معتقد است که در کلمه «بنیادگرایی» نوعی افراطی‌گری نهفته است و به همین خاطر، از دهه ۱۹۸۰ به بعد، واژه «اسلامیسم» و «اسلام سیاسی» جایگزین واژه بنیادگرایی شد. وی با اشاره به این که ظهور افراط‌گرایی در جهان، واژه «ملی» را با توجه به تاریخ این پدیده می‌توان درک کرد ادامه داد، اسلام از ابتدای ظهور خودش در سرزمین‌های «ملی» افراد را به خود جذب کرده بود، اما به صورت جدی و وسیع‌تر از قرن دوازده به بعد و حدود هشتصد سال بعد، این کار به اوج رسید. در حقیقت اسلام از طریق جغرافیایی متفاوت به سرزمین‌های «ملی» صادر شد. ایشان در ادامه می‌گوید: نکته مهم این است که طبیعت اسلام در آسیای جنوب شرقی با صوفیه و تصوف پیوند خورده است و این امر در اعتقادات، فلسفه، معرفت‌شناسی و جهان‌بینی‌ها کاملاً مشهود است. ایشان معتقد است که مدرنیست‌های اسلامی، یا اصلاح‌طلب هستند یا افراطی؛ آنچه میان آنها مشترک است، نوعی کاهش امور سنتی در جوامع اسلامی است. در حقیقت مدرنیست‌های اصلاح‌طلب، بر این باور بودند که سنت مردم مسلمان همراه با مدرنیته نیست و آنها بسیاری از مظاهر غرب را

بازتاب اندیشه ۱۰۶

۸۲
گزارش‌ها

پذیرفته‌اند از سوی دیگر، مدرنیست‌های افراطی در پس زدن آنچه از تمدن غربی به دست می‌آید، بیشتر جنبهٔ مطلق‌گرا داشته‌اند. گروه اهل حدیث هند، پیروان سید قطب و وهابیان و جماعت اسلامی پاکستان، از جمله این گروه‌های افراطی هستند.

این استاد دانشگاه سنگاپور با اشاره به ویژگی‌های بنیادگرایی اظهار می‌دارد: بنیادگرایان، شریعت‌گرای محض هستند و صرفاً به یک جنبهٔ اسلام توجه می‌کنند، لذا مفهوم خداوند در این جا مفهوم مقتدرانه است و خداوند به عنوان عامل تنبیه و مجازات انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود. نگرش بنیادگرایی افراطی، ضدیت کاملی با تفکر شیعی و طریقت صوفیه دارد و آنان به صورت یک‌سویه به ظاهر شریعت توجه دارند و به باطن شریعت بی‌اهمیت هستند.

اما آنچه سنت‌گرایان دربارهٔ خدا می‌گویند، بر مبنای رحمت و امید و محبت و عشق است و خداوند را اشاعه‌دهندهٔ عشق و محبت می‌دانند، نه عاملی برای تنبیه و مجازات و باید توجه داشت که بنیادگرایان افراطی در جنوب شرقی آسیا در اقلیت هستند. آقای العطاس در خاتمه این بحث تأکید می‌کند که در مطالعهٔ بنیادگرایی، ما نباید نگرش مسلمانان به این مقوله را از نظر دور داریم و باید به فعالیت‌های بومی در این حوزه که توسط خود مسلمانان انجام شده است نیز توجه کنیم.

مزارش‌ها: نجفعلی غلامی

بازخوانی آرای ادوارد سعید درباره روشن فکری

جواد ماه زاده

اعتمادملی، ش ۸۳۶، ۱۳۸۷/۱۰/۲۶

آقای ماه زاده در این نوشتار به بازخوانی آرای ادوارد سعید درباره روشن فکری اشاره کرده است. سخن از روشن فکر است؛ ادوارد سعید در تعاریف خود با تأکید بر عناصر روشن فکری شامل فعالیت، عمل، شکاکیت، عقلانیت و داوری به پایبندی الزام‌آور او به آزادی و عدالت اشاره می‌کند و همین مسأله را عاملی برای رو در رویی گاه به گاه در مقابل اصحاب قدرت بر می‌شمارد. بنابراین توجه و دغدغه خاطر او نسبت به حقیقت، کمالیت و عدالت موجب می‌شود هیچ‌گاه خویش را ملزم به اطاعت از دولت‌ها و پیروی از اندیشه‌های مستمر و فراگیر موجود در اجتماع نداند. روشن فکر، بی‌هیچ ملاحظه کاری و مصلحت‌بینی، در تلاش برای کشف و انعکاس حقیقت و برقراری عدالت است و این احتمال هم می‌رود که شاید چندان محبوب جامعه نباشد. از دیدگاه ادوارد سعید بهتر آن است که روشن فکر بحران‌ها، شکاف‌ها و تجربیات سخت و دردآور جامعهٔ خود را، به شکلی هنری و ماندگار برای ملت‌های دیگر و نسل‌های آینده ثبت و ضبط کند. ادوارد سعید روشن‌فکران را به دو